

معضلی به نام ماندن یا رفتن لطف الهیان!!

طرح موضوع عزل شهردار در شورای شهر و ابقایش در این پست در صدر خبرهای هفته گذشته شهر اردبیل قرار گرفت.

بحث ماندن یا رفتن لطف الهیان به یک مورد تکراری در فضای سیاسی اردبیل تبدیل شده است. تا دری به تخته می خورد اخبار مربوط به شهردار در صدر خبرهای منطقه قرار می گیرد.

لطف الهیان و بودن و یا رفتن وی برای مردم عادی شده است. مردم عادت کرده اند که همه ساله از فروردین تا اسفند ماه در انتظار موضعگیری شورا، دفاع شهردار، سنگر بندی هواداران شورا و شهرداری و رنگ عوض کردن های اعضای شورا باشند.

چهارشنبه شب گذشته هم زمان با اعلام خبر ابقای شهردار، اسامی مخالفان، موافقان و عضو بی طرف شورا منتشر شد. با همه احترامی که به تک تک اعضای شورا دارم به عنوان یک شهروند این حق را دارم که بپرسم کسانی که در استیضاح گذشته، خواستار خداحافظی لطف الهیان از عمارت شهرداری بودند به چه دلیلی امروز با ادامه خدمت وی موافق هستند و یا آن هائی که در گذشته به ابقای وی رأی داده بودند امروز چرا عاشق ماندن وی شده اند؟

باید این اعضا دلایل قانع کننده ای برای آرائی که در سال های اخیر در مورد ماندن یا رفتن لطف الهیان داده اند، داشته باشند.

آن هایی که امسال به صف هواداران لطف الهیان اضافه شده اند با بروز چه تحولاتی در اداره شهر و چهره آن مواجه شده اند که چنین 180 درجه تغییر موضع داده اند؟ آیا برخی از آن ها که شدیدترین انتقادها را نسبت به شهردار داشته اند امروز در قبال هواداری شان چه دارند بگویند؟

دلسوز مردم یا دلسوز لطف الهیان

گفته عضوی از شورا در مورد توجیه رأی ممتنع اش که "دلم به شهردار سوخت" نقطه تاریک و مبهمی برای یک عضو و مایه تأسف برای موکلین وی می تواند باشد.

اعضای شورا بنا به وظیفه ای که بر اساس قانون بر عهده دارند باید دلسوز مردم باشند. هیچ کسی در جایگاه نمایندگی مردم در پارلمان محلی حق ندارد منافع شهردار را بر منافع جامعه و موکلین اش ترجیح بدهد.

دلسوزی یک نماینده پارلمان محلی اگر در راستای احساس مسئولیت در

قبال مردم نباشد و علنا حمایت از شهردار را دلسوزی به آن بدانند آیا در ذهن موکلین ده ها سؤال نمی تواند بر جای بگذارد؟ فضای مجازی از اولین ساعات انتشار چگونگی تصمیم شورا به محلی برای ارائه تحلیل های مختلف تبدیل شده است. عده ای اقدام شورا را کودتای حامیان خدابخش بر علیه شهردار برشمردند و جمعی دیگر عمل شورا را نه کار اعضا بلکه به یکی از کاندیدا های احتمالی مجلس ربط دادند.

هر کسی از دید خود به مسئله عزل شهردار نگریست و علاقه قلبی و وابستگی خود را به طور کامل نشان داد ولی رئیس شورای اسلامی نباید اجازه طرح بیشتر این قبیل گمانه زنی ها را بدهد. این تحلیل ها چیزی جز ضربه زدن به جایگاه شورا حاصل دیگری نمی تواند داشته باشد.

دکتر پوستی با یک مصاحبه چند دقیقه ای برای اما و اگر های این قضیه پاسخ بدهد و نقش عوامل بیرونی در تصمیم شورا را به اطلاع افکار عمومی برساند.

تصور کودتای طرفداران خدابخش و دشمنی آن ها با لطف الهیان کاری سخت و پیچیده است. به نظر می رسد از ابقای لطف الهیان دوستان و نزدیکان خدابخش بیشتر از همه خوشحال باشند. چرا که در معادلات آینده سیاسی اردبیل آن ها به لطف الهیان و مجموعه تحت امرش زیاد امیدوار هستند.

عاشقان خدمت

عشق برخی ها برای خدمت ستودنی است. در سال های اخیر ، مسئولیت لطف الهیان همواره با استرس، حاشیه و موضعگیری های گوناگون و رنگ به رنگ شدن اعضای شورا مواجه بوده است. وقتی در مجموعه ای که قرار است برای جامعه منشأ خدمات باشد آرامش حاکم نشود و مسئول از سرنوشت مسئولیتش در آینده نزدیک بی خبر باشد آیا اصرار بر ماندن جز ارادت و علاقه برای پست و مقام چیز دیگری می تواند باشد؟ لرزان بودن صندلی مسئولیت در شهرداری ضربه اش بیشتر متوجه شهر، پروژه ها و توسعه منطقه است. صرف انرژی برای ماندن و راضی کردن شورا و جلب نظر آن ها آیا با مزایای عنوانی به نام شهرداری قابل مقایسه می باشد؟

انتخابات مجلس و شهرداری

برخی از آگاهان معقدند خدابخش در صورت ثبت نام از لطف الهیان و مجموعه شهرداری برای حمایتش انتظار بیشتری خواهد داشت. کمک خدابخش و دوستان وی در استیضاح قلبی لطف الهیان و مساعدت برای حفظ اش در عمارت شهرداری توقع هواداران و سینه چاکان خدابخش از لطف الهیان را بالا برده است. آیا امکان دور زدن قانون وجود خواهد

داشت؟ موضع گیری مناسب شهردار مبنی بر حفظ بی طرفی و نظارت مستمر دستگاه های نظارتی می تواند هرگونه شایعه در این ارتباط را در نطفه خفه بکند . مسلما لطف الهیان و مجموعه شهرداری آبروی خود را با حمایت از برخی کاندیداها به حراج نمی گذارند.

گوش کردن به فایل صوتی یکی از اعضای شورای شهر در جریان استیضاح قبلی در مخالفت با شهردار در صحن علنی شورا و حمایت تمام قد امسال همان فرد از شهردار تجربه خوبی است مبنی بر این که مردم در انتخاب خود باید دقت و وسواس لازم را داشته باشند. رأی دادن به افراد با سابقه و آشنا به امور و از همه بالاتر شجاع، نترس و قدرتمند منجر به تشکیل یک پارلمان محلی قوی می شود . پارلمانی که اعضای آن تحت هر شرایطی حاضر به معامله منافع جامعه نباشند.